

دزد طلای پیرزن ها آدم می کشد

خط قرمز: پیرزنی که تنها در آپارتمان خود واقع در محدوده منیریه زندگی می کرد به طرز واقعی در خانه اش به قتل رسید، به دستنوی بازپرس کشیک دستگیری قاتل در اختیار مأموران اداره آگاهی قرار گرفت. ساعت ۸ شب گذشته بود که مأموران کلانتری ۱۱۲ اوسعید تهران، در تماس با بازپرس ایلمانی خیر از قتل پیرزنی تنها در خانه اش واقع در محدوده خیابان منیریه دادند و پس از این بازپرس کشیک قتل پایتخت به همراه تیمی از کارآگاهان امور جنایی در صحنه حضور یافتند. در صحنه جرم یکی از فرزندان پیرزن حضور داشت. او زمانیکه در برابر افسر بازجو قرار گرفت اینچنین اظهار کرد که چند باری با خانه مادر و گوشه اش تماس گرفتیم اما او جواب نمی داد. نگارنش شده بودیم. به همین دلیل به خانه اش آمدیم که فهمیدیم در آن باز نمی کشد. در راه روز بازار کردیم و وارد خانه اش شدیم که با خانه به هم ریخته روبه رو شدیم. زمانیکه وارد اتاق خودش شدیم با جسد او روبه رو شدیم. به همین دلیل سریعاً با اورژانس و کلانتری تماس گرفتیم. پس از ثبت این اظهارات تحقیقات اولیه انجام و مشخص شد حدود دو الی سه روز از قتل می گذرد و فرد یا افرادی که احتمالاً سارق طلا بودند پس از ورود به خانه، دست و پای پیرزن را با دو روسری بسته و با بستن یک روسری به گردن پیرزن او را خفه کرده اند. با اینحال بررسی های بعدی نشان می داد پیشی از این نیز پیرزنی در ۱۲ مرداد ماه سال جاری به قتل رسیده و نشانه های این قتل نیز نشان از سرپایی بودن این قتل ها دارند.

سارق حرفه ای لوازم داخل خودرو و مغازه های مشهد به دام افتاد

خط قرمز- کاهانی مقدم: یک سارق حرفه ای لسوازم داخل خودرو و مغازه ها در مشهد با هوشیاری کارآگاهان به دام افتاد. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی در این باره به خبرنگار ما گفت: با دریافت گزارش چند فقره سرقت لوازم داخل خودرو در محدوده غرب مشهد، آگهی از کارآگاهان مأمور رسیدگی به پرونده این سرقت ها شدند. وی گفت: کارآگاهان با بررسی اظهارات مالباختگان و بهره گیری از سرنخ های به جای مانده در محل سرقت ها متوجه شدند که در نزدیکی تمامی محل های سرقت، یک خودروی رانا سفید رنگ پلاک مخدوش پارک بوده است. سرهنگ حمیدزینمخواه خاطر نشان کرد: کارآگاهان اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی سپس با انجام یکسری تحقیقات میدانی و بهره گیری از تجهیزات و شیوه های نوین پلیسی، این خودرو را در نواور شهید فلاحتی قاسم آباد شناسایی و در اقدامی ضربتی راننده آن را متوقف و دستگیر کردند. گفت: در مرحله بعدی این عملیات و به بازرسی از مخفیگاه متهم مقابری از اموال سرقتی شامل چند دستگاه درل برقی و شارژی، جک و زاپاس، جعبه آچار، چادر مسافرتی و کیسه خواب کشف شد. متهم ۱۱۰ ساله نیز در بازجویی های علمی کارآگاهان به ارتکاب ۹ فقره سرقت لوازم داخل خودرو و دستتیر به مغازه های فاقد ذوق و تجهیزات ایمنی و حفاظتی اعتراف کرد.

قاتل کیانا به اعدام در ملاءعام محکوم شد

خط قرمز: رئیس دادگستری نیشابور از صدور حکم برپرونده عامل تجاوز و قتل دختر هفت ساله نیشابوری در دادگاه بدوی خبر داد. قاضی رفسنجانی گفت:با توجه به تأکیدات رئیس کل دادگستری خراسان رضوی مبنی بر برخورد قاطع با مجرمین و خشن و به دلیل حساسیت موضوع و جریحه دار شدن افکار عمومی، این پرونده به صورت فوق العاده مورد رسیدگی قرار گرفت و کمتر از ۱۰ روز حکم آن صادر شد. وی افزود: متهم در بحث عقاب به عفو نام اقدام به اعدام در ملاءعام، در رابطه با قتل به قصاص نفس و در بحث آدم ربایی نیز به ۱۵ سال حبس محکوم شده است. ۱۰ روز پیش خانواده ای در تماس با فوریت های پلیسی ۱۱۰ از مفقود شدن دختر پنج ساله شان که در خانه مادرینزگش بوده، خبر دادند. تحقیقات علمی پرونده در کمتر از ۴۸ ساعت با اعترافات شوهر عمه این دختر ۱۵ ساله به سرنخ های متهم که نشان از ارتکاب قتل وی می داد، وی گفت: متهم با هویت م نام، متولد ۵۸، در یک آتشپزخانه کار می کرده و حدود چهار سال است که در نیشابور زندگی می کند.

این فرد ساعت ۱۲ نیمه شب به منزل پدر همسر خود می رود و این دختر بچه هفت ساله را در حالی که در اتاق دیگری خواب بوده سوار موتور کرده و به منزل خود که همسر و فرزندانش نیز حضور نداشته اند، می برد. قاضی رفسنجانی تصریح کرد: متهم در منزل خود به این دختر تجاوز می کند و بعد از آن او را خفه کرده و جنازه اش را داخل ملحفه پیچیده و به باغ پدر مقتوله که در جاده صومعه قرار داشته، منتقل می کند او جسد دختر بچه را داخل گودالی می اندازد و دیوارهای پیش ساخته داخل باغ را روی آن قرار داده و به خانه برمی گردد. رئیس دادگستری نیشابور اضافه کرد: یک روز بعد از حادثه، اقوام و بستگان، مفقود شدن کیانا را به پلیس گزارش می دهند و در این میان متهم طوری وانمود می کند که گویی پیگیر پیدا کردن دختر بچه است ولی در نهایت طاعت نمی آورد و این موضوع را با برادر خود مطرح می کند. برادر او نیز قضیه را به پدر مقتوله گفته و نیروی انتظامی پس از بررسی موضوع به دستگیری این فرد اقدام می کند که با اعترافات وی محل دفن جسد دختر بچه کشف می شود.

با هوشیاری یک دستفروش صورت گرفت دستگیری مرد سابقه دار با چک پول های تقلبی در شب بازار



تلفن همراه و دیگر لوازم داخل خودرو می باشد که با وی درگیر شده و از پلیس کمک خواسته است. سرهنگ بوستانی گفت: این متهم که اعتیاد شدید به ماده مخدر شیشه دارد و بناگذاهی از زندان آزاد شده در بازجویی های اولیه منکر هرگونه جرمی بود اما در ادامه و مواجهه با ادله و مستندات کشف شده به ۱۵ فقره سرقت داخل خودرو در پارکینگ های فاقد نگهبان و دوربین مدارسته اعتراف کرد. وی با بیسای اینکه تاکنون پنج نفر از مالباختگان شناسایی شده اند، افزود: تحقیقات بیشتر از این متهم برای کشف دیگر سرقت های انجام شده توسط او ادامه دارد.

ادعاهای کیف قاپان خشن پایتخت در دادسرا



دور شدن متوجه شدن اموال آن زن را درزیده است. من بی تقصیرم و هیچ گناهی نکرده ام. ***** ادعا در دادسرا** این متهمین زمانیکه در دادسرا در برابر بازپرس مرضی رسولی قرار گرفتند اینگونه ادعا کردند که ما تنها همین یک فقره سرقت را انجام داده ایم. با اینحال سه نفر از شکات دیگر که شناسایی شده بودند با حضور بازپرس پرونده به شناسایی متهمین پرداختند و هر سه شاکی اطمینان دادند که این متهمان سرقت را انجام داده اند. پس از این بازپرس رسولی به بازپرسی از متهمین پرداخت که مشخص شد آن ها نیز سرقت ها را قبول دارند و پس از این تنها چهار شاکی دیگر برای این پرونده مورد شناسایی قرار گرفت. با اینحال با دستور بازپرس رسولی رسیدگی به این پرونده برای شناسایی آگاهی قرار گرفته است و تحقیقات همچنان در این زمینه ادامه دارد.

تکلیف را روشن کرد و گفت: ما نمی توانیم با هم ازدواج کنیم. او برایم گفت از دو سال قبل ازدواج کرده و همسرش باردار است. با شنیدن این حرف دنیا روی سرم خراب شد. در حالی که گریه می کردم گفتم تو که زن داشتی چرا سرنوشت و احساسات مرا به بازی گرفتی. داستان مسخره ای سر هم کرد و گفت به همسرش هیچ علاقه ای نداشته و قصد جدایی داشته اند، اما حالا که قرار است بچه دار شوند نمی توانم چنین کاری بکنم. مژگان گفت: من از شرکت تسویه حساب کردم و در حالی که احساس بسیار بدی نسبت به خودم پیدا کرده بودم به مناطق کوهستانی خود یک ماه از این ماجرا گذشت. حالم خیلی بد بود و فکر می کردم باردار هستم. نمی دانستم چه خاکی به سرم بریزم. با او تماس گرفتم. گفت هر چقدر هزینه اش می شود نداد. دچار کابوس های وحشتناکی شده بودم. حتی می خواستم خودم را بکشم. به واحد اجتماعی و مشاوره کلانتری ۲۴ مراجعه کردم و از آنجا به مرکز مشاوره آرامش پلیس خراسان معرفی شدم. با انجام معاینات متوجه شدم باردار نیستم اما از نظر روحی و روانی به شدت آسیب دیده ام. هر شب خواب مرگ می بینم و حالم خیلی بد است. حالا می فهمم چرا پدرم مخالفت می کرد و معنی حرف هایش چه بود.

کوهنوردان گمشده، پیدا شوند. وی در خصوص دلایل تأخیر در کسب نتیجه و ردیابی این ۲ کوهنورد گفت: با توجه به مه آلود بودن مناطق کوهستانی محور توسکستان و حال ذهنی ضعیف شبکه های تلفن همراه، کار تجسس به سختی در آن انجام است. مسؤول اداره عملیات امداد و نجات هلال احمر گرگان اظهار امیدواری کرد تا هر چه سریعتر این ۲ کوهنورد پیدا شده و خانواده، دوستان و اعضای گروه از نگرانی خارج شوند. اعضای گروههای تجسس در مناطق مختلف ارتفاعات توسکستان مانند سرعلی آباد، دهنه باغشاه، زیلا، قزمیان، باغ دره، باجنار و پانوت به دنبال این کوهنوردان می گردند.

خط قرمز- کاهانی مقدم: با هوشیاری یکی از کسبه شب بازار مشهد، توزیع کننده چک پول های تقلبی دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ما این متهم زمانی که قصد داشت با یک برگ چک پول یک میلیون ریالی تقلبی از یکی از فروشندگان شب بازار خیابان دانش شرقی کالا بخرد، مورد ظن مرد فروشنده قرار گرفت.

این ظن فروشنده در ادامه به مشاخره او با مشتری انجماد وقتی وی از تقلبی بودن چک پول اطمینان حاصل کرد، با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت. فرمانده انتظامی مشهد در این باره گفت: به دنبال تماس این فروشنده، آگهی از مأموران کلانتری ۱۲ امام رضاع) برای بررسی موضوع به محل اعزام شده و متهم را به کلانتری انتقال دادند.

سرهنگ محمد بوستانی افزود: این متهم ۲۵ ساله که چند فقره سابقه کیفری در پرونده اش دارد، پس از انتقال به کلانتری در بازجویی های به عمل آمده به سه فقره کلاهبرداری از کاسبی شب بازار و خرید اجناس ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار ریالی با چک پول های تقلبی یک میلیون ریالی اعتراف کرد.

وی همچنین به مأموران انتظامی گفت که چک پول ها را از فردی به نام محمود گرفته است که تلاش و تحقیقات پلیس برای دستگیری این فرد در حال انجام است. وی از شهروندان خواست در صورت برخورد با موارد مشابه، مراتب را بلافاصله به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دهند.

*** دستگیری سارق حرفه ای در تقیعب و گریز پلیسی** رئیس پلیس مشهد در ادامه گفت: گو با خبرنگار ما همچنین از دستگیری عامل سرقت از خودروهای پارک شده در پارکینگ های بدون نگهبان و تجهیزات

خط قرمز: روز ۲۱ دی ماه سال گذشته بود که مأموران کلانتری ۱۲۲ نیابوران در جریان سرقت از یک چک به شیوه کیف قاپی قرار گرفته و با حضور سریع در منطقه شروع به بررسی موضوع می کنند. مالباخته زمانیکه در برابر افسر بازجوی کلانتری قرار می گیرد ادعا می کند که در حال رفتن سر کار خود بودم. همینکه از یک تاکسی پیاده شدم و قصد حساب کردن کرایه تاکسی را داشتم دو فرد سوار بر یک موتور سیکلت به من نزدیک شدند و کیفم را با زور و اعمال خشونت از دستم در آوردند و سپس از آن از صحنه جرم صورت گرفته دور شدند. در ادامه و با ثبت این موضوع در پرونده اولیه تشکیل شده در کلانتری ۱۲۲ نیابوران و با توجه به اینکه املر این سرقت های سرریالی صورت گرفته در منطقه زیاد شده بود پرونده ای در شعبه هشتم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۷ تشکیل شد و رسیدگی به این موضوع در دستور کار مأموران پایگاه اول آگاهی قرار گرفت.

*** دستگیری متهمین** روز ۲۵ شهریور ماه امسال و راس ساعت ۸ شب، مأموران انتظامی گشتی در محدوده کامرانیه، نبش خیابان باژدار با شهروندانی مواجه می شوند که در محلی اجتماع کرده اند و وقتی موضوع مورد بررسی قرار می گیرد مشخص می شود یکی از شهروندان مورد سرقت کیفی توسط یک موتور سوار و سرنشین اش قرار گرفته است. سرپس از این موضوع یکی از افراد حاضر در محل اینگونه می گوید که دو موتورسوار با یک دستگاه اپاجی قرمز رنگ پس از اینکه مالباخته را ده متر روی زمین کشیدند وقتی با مقاومت عجیب او روبه رو شدند پس از کتک زدن و گرفتن کیفش از محل فرار شدند. بعد از این، موضوع به پاسگاهی که در همان نزدیکی واقع شده اطلاع داده شد و موضوع دستگیری آن ها در دستور کار مأموران گشتی قرار گرفت. مدتی از این اطلاع رسانی به موقع نگذشته بود که دو نفر در حالی که کیف زانه ای به دست داشتند دستگیر

کارشناس مشاوره روی صندلی نشست. دختر ۲۵ ساله سفزه دلش را باز کرد و در بیان قصه تلخ زندگی اش گفت: پدرم کارگر یک کارخانه است. من یک خواهر و دو برادر دارم. پدرم در خانه کار می کند. او عاشق قالی بافی است و یکی از آرزوهایش این است که این هنر را به من هم یاد بدهد. اما من هیچ علاقه ای به این کار نشان ندادم. دختر جوان آهی کشید و افزود: تا فوق دیپلم درس خواندم. من یک مشکل اساسی دارم و آن این که همیشه خودم را بالاتر از چیزی که هستم می بینم. این چیز بدی نیست اما در وجود من خیلی شدید شده تا جایی که همیشه احساس حقارت می کردم. حتی گاهی از پدرم مسامدر ابرام می گرفتم که چرا وضع زندگی ما این قدر ساده است... مژگان افزود: در دوران دانشجویی با دختری آشنا شدم که فردی بی بندوبار و بی اصالت بود. دوستی با این دختر باعث شد نوع پوشش و حرکات و رفتارم نیز عوض شود. متأسفانه بعد از دانشگاه هم با وجود مخالفت خانواده ام ارتباطم را با این دختر ادامه دادم. تحت تأثیر حرف های او قرار داشتم و به همین خاطر تصمیم گرفتم سر کار بروم. دوستم می گفت حرف بزند پس انداز جور کنی می توانی آپارتمانی کوچک اجاره بگیری و مستقل باشی. من در شرکت برادر دوستم سر او مشغول کار شدم.

پدرم راضی نبود و می گفت اجازه بده یک تحقیقی در مورد محل کار او انجام دهی تا ببینی چه اتفاقی می افتد. من در شرکت برادر دوستم

بلافاصله به موقعیت اعزام شدند. طه میرصادقی افزود: همم اکنون ۶۰ نفر از امدادگران تیم های امداد و نجات کوهستان، سیار و تخصصی برای ردیابی این کوهنوردان در حال تلاش هستند.

وی تصریح کرد: همچنین به همراه تجهیزات تخصصی جمعیت، پنج دستگاه خودرو کمک دار ۲ دینفرانسیل از سوی هیات موتورسواری و اتومبیلرانی در اختیار هلال احمر برای پیدا کردن مفقودان قرار گرفته است.

میرصادقی ادامه داد: از صبح امروز تعدادی از نیروهای محلی و راه بلد (آشنا به مسیرهای کوهستانی و محل های احتمالی تردد مفقودین) نیز در این جست و جو حضور دارند و امید داریم تا هرچه سریعتر

عکس های او رفته در موبایل یک غریبه در دزدساز شد شکایت مردی که از خانواده زنش کتک خورد

خط قرمز: مردی که ادعا می کرد از برادرزن و باجناقش کتک خورده است صبح دیروز به دادسرای امور جنایی مراجعه کرد و علیه خانواده زنش که برای اخذای او را ربوده بودند شکایت کرد.

این مرد مدعی بود به دلیل اینکه فیلم و عکس هایی از زنش را در گوشی مرد غریبه ای دیده است زنش را کتک زده که در نتیجه زنش نیز خانواده اش را برای کمک فراخوانده است و آنها نیز پس از اینکه او را ربوده به خانه شان برده و کتک زده بودند. رسیدگی به این موضوع در دستور کار مأموران اداره یازدهم آگاهی قرار گرفته است.

در مراجعه به دادسرای امور جنایی ادعای عجیبی را مطرح کرد، او زمانیکه در برابر بازپرس کشیک پایتخت قرار گرفت اینگونه از حقیقت زندگی خود پرده برداشت که من با همسر از بهمن ماه سال گذشته آشنا شدم. چند روز بعد از این که با هم ازدواج کردیم مردی به در خانه مان آمد که ادعای عجیبی داشت. این مرد از رابطه خود با همسر من به نام گلچهره می گفت و اینکه قرار بود با هم ازدواج کنند.

من نتوانستم تحمل کنم و زمانیکه از زلم حقیقت موضوع را پرسیدم گلچهره ادعا کرد او را نمی شناسد و پس از آن با مرد غریبه درگیر شدم و او را کتک زدم به حدی که همسایه ها با کلانتری تماس گرفتند و من چند روزی در کلانتری بازداشت بودم. از اینجا به بعد، تازه با شخصیت اصلی همسرم آشنا می شدم. من که اوایل عاشق او و از طریق یکی از دوستانم با او آشنا شده بودم پس از چند روز متوجه رف و آمدهای مشکوکش شدم و به همین دلیل با بهانه آمدهای مشکوک قطع شدم. چند روزی هم سیز به روال خود بازگشته بودم تا اینکه دیدم زنم با بهانه های مختلف به محله قدیم من باز می آید.

یک بار می گفت می روم آرایشگاه، یک روز ناخن کاری و روز دیگر میز آنیلی. کلا تصمیمش را گرفته بود. زمانهایی هم که من کار داشتم و سر ساختمان گنج کاری می کردم اصلا معلوم نبود کجاست. تمام این ماجراها تا جایی بود که چند روز پیش مردی دم در خانه ما آمد. خیلی زود او را شناختم. چند بار در محله قدیمی او را دیده بودم. به من گفت به زنت بگو بیخیال من شوم من دیگر مال و اموالی برایم نمانده است که خرجش کنم.

همینکه دید عصبانی شدم ام گوشه اش را در آورد و فیلم و عکس هایی را نشانم داد که نشان از رابطه پنهانی اش با زلم داشت. تحقیق کردم و پیگیر که شدم فهمیدم یک بار دیگر هم قبل از این همین آقا در کلانتری از زن من شکایت کرده است. این شکایت به دوران ازدواج قبلی خانمم باز می گشت همان موقعیکه بعدا فهمیدم چه بلایی سر شوهر قبلی اش در آورده است. آنطور که آن مرد غریبه می گفت شوهر قبلی همسرم نیز وقتی از ماجراهای زلم با خبر شده است به سراف کلانتری رفته بود تا شکایت کند که خانواده اش او را کتک زده بودند و تهدیدش کرده بودند. آنطور که او گفته بود همسر قبلی زلم با شکایت توانسته بود از او طلاق بگیرد و حقش را نیز از برادر زلم گرفته بود که او را کتک زده بودند. شماره تلگرامم را به آن مرد غریبه دادم و او هر چه در گوشه اش مربوط به زلم بود برای من فرستاد و بعد همه آنها را از گوشی خودش پاک کرد، چرا که می گفت به دلیل اینکه به من بگوید زلم چه زن کشیفی است از گلچهره عکس و فیلم گرفته بود. زلم که به خانه آمد موضوع را با او در میان گذاشتم و قبل از اینکه بخواهم عصبانی شوم به من گفت اصلا به تو هیچ ربطی ندارد و من دوست دارم همزمان که تو شوهرم هستی با مرد دیگری نیز باشم. عصبانی شدم و تا جایی که توانستم او را کتک زدم. البته او هم کم زور نبود و از خجالتم در آمد. بعد از آن از خانه بیرون رفتم و بعد از مدتی که از سر کار برگشتم متوجه شدم زلم خانه نیست.

می خواستم در را با کلید باز کنم که یک ضربه محکم قمه از پشت به من خورد و بعد از آن باجناق و برادر زلم را دیدم که مرا به یاد کتک گرفته بودند. یکی از همسایه ها نیز از طبقه بالا شاهد بود. با تهدید قمه ای که پشت سرم گذاشته بودند مرا سوار موتور کردند و به پارکینگ خانه شان بردند. در آنجا تا حدی که ممکن بود با دستها و دسته جاقو کتک زدند. هنوز جای ضربات وارد شده بر پشتم هست و تنها شناسی که آوردم موقعی بود که مرا به خانه شان می بردند و من در خیابان، خودم را کج کردم تا جلوی یک دوربین مدار بسته با موتور زمین بخوریم. بعد از آن آنها باز هم دنبالم می کردند و مرا سوار موتور کردند که به پارکینگ خانه شان که تنها شناسم همین بود که جلوی دوربین زمین خوردم و مشخص است آنها با قمه مرا تهدید کرده و کتک زده اند. در پارکینگ همسرم و مادرش نیز حضور داشتند و دلم کتکم می زدند.

بعد از آن آزاد کردند و مرا با موتور به یکی از گوشه های شهر انتقال دادند که سریعاً به یک روهگشر ماجرا را گفتم و او مرا به یک کلانتری که در همان نزدیکی بود برد و بعد از آن من با اورژانس به بیمارستان رفتم که مدارک همه این ماجراها موجود است. پس از ثبت اظهارات این مرد علیه همسر خود، به دستور بازپرس پرونده رسیدگی به موضوع در دستور کار مأموران اداره یازدهم آگاهی قرار گرفت.

خط قرمز- طوبی ساقی:

صدای تق تق کفش های پاشنه کوتاه دختر جوان اعصاب چند زن و مرد جوان که به مرکز مشاوره مراجعه کرده بودند را خط خطی می کرد.

دختر جوان او را قرار نداشت و در عرض راهرو قدم می زد. زیر لب با خودش زمزمه های داشت و نگرانی و اضطراب در رفتار و حرکاتش نمایان بود. دختر جوان میانسالی که روی صندلی کنار در راهرو نشسته بود چادر مشکی ساتن برقی را روی سرش تنظیم کرد و از جای خود بلند شد. او به دختر جوان نگاهی کرد و گفت: دخترم، بیابنشین اینجا صندلی خالی هست.

مژگان به صورت زن نکاهی کرد و در حالی که لبخندی سرد بر چهره داشت گفت: ببخشید من منتظر نوبتم نشود و به داخل اتاق مشاوره بروم. زن میسائل ابرویی بالا انداخت و جواب داد: دخترم همه ما که اینجا آمده ایم وقت داریم. من هم قرار هست برای مشاوره به اتاق کناری بروم. اما چند دقیقه ای تأخیر طبیعی است، خودت را آرام کن تا بتوانی مشکل خودت را به راحتی برای مشاور بگویی. دختر جوان که انگار منتظر بود با کسی حرف بزند جلو آمد و گفت: ای بابا مشکل من نیاز به گفتن ندارد آخر...

او داشت صحبت می کرد که مسؤول پذیرش اسمش را صدا زد. مژگان حرفش را قطع کرد و با عذرخواهی به داخل اتاق رفت. آرام سلام کرد و با دعوت

خط قرمز: عملیات جست و جو برای نجات ۲ کوهنورد مفقود شده با گذشت حدود ۴۰ ساعت در ارتفاعات توسکستان این شهرستان، هنوز ادامه دارد. مسؤول اداره عملیات امداد و نجات جمعیت هلال احمر گرگان گفت: روز جمعه (دوم مهر ماه) یک گروه ۲۰ نفره کوهنوردی استان گلستان، مطابق سال های گذشته برنامه خود را برای صعود به ارتفاعات توسکستان در ۱۵ کیلومتری جنوب شرق شهر گرگان آغاز کردند.

در طول مسیر این گروه، ۲ کوهنورد ۴۴ و ۲۸ ساله برای سریعتر رفتن از تیم جدا شدند و ساعت ۱۸ همان روز گزارش مفقود شدن این کوهنوردان به جمعیت هلال احمر آرایه و تیم های امداد و نجات

جست و جو برای یافتن ۲ کوهنورد در ارتفاعات گرگان



